دیدگاه

# تشکیل حکومت مخرج مشترک دیدگاه امام و علامه طباطبایی

استاد درس خارج حوزه علمیه قم گفت: جریانی که مرحوم آقای طباطبایی در حوزه مدیریت کردند در کنار جریانی که حضرت امام مدیریت محتوایی اش را برعهده گرفتند یک مخرج مشترک به نام «آینده حکومت اسلامی» پیدا کرد.

به گزارش خبرنگار پایگاه خبری تحلیلی مفتاح اندیشه، آیت‌الله عبدالکریم فرحانی، استاد درس خارج حوزه علمیه قم در سخنانی به بررسی موضوع «آینده فقه شیعه و حکومت اسلامی» پرداخت و بیان کرد: ما سه تلقی از دین داشتیم، تلقی شرقی، تلقی اروپایی، تلقی آمریکایی. مخرج مشترک این سه تلقی این است که در این تلقی حکومتی وجود ندارد.

وی افزود: در مقابل این ها امام یک تلقی را در حکومت اسلامی ارائه کردند و فرمودند بحث حکومت اسلامی از بدیهیات فقه شیعه است. اصلاً دلیل نمی خواهد. اگر کسی در ابعاد فقه شیعه تأمل کند و شئون فقیه را ببیند، این از امور بدیهی نجشیده است.

آیت‌الله فرحانی بیان کرد: امام نظریه چهارمی را مطرح کرد که بداهتی در فقه شیعه وجود دارد به نام حکومت و این آن قدر بدیهی و روشن است که دلیل نمی خواهد و «ما هو دلیل الامامه، بعینه دلیلُ علی لزوم الحکومه فی عصر الغیبه»، همان دلیل امامت دلیل حکومت است.

وی اضافه کرد: عرض کردم ما دنبال این هستیم آینده حکومت اسلامی را در این مدلی که امام ارائه می دهد توضیح دهیم، سپس اصول حاکم بر این آینده را ببینیم که از آن فقه حکومتی به دست بیاید. یعنی جایگاه فقه شیعه را تبیین کند. این خیلی برای خود بنده مهم است. اگر این سیر را خوب جا بیندازیم تازه حوزه را نسبت به اهمیت مسئله بیدار می کنیم. استاد در درس خارج حوزه علمیه قم عنوان کرد: امام در این فضا که این ها را سه مدل از اسلام و دین ارائه می دادند، یا شرقی یا اروپایی یا آمریکایی، آمد گفت ما یک اسلام ناب داریم «اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم» و اسم این اسلام ناب را گذاشت اسلام ولایی؛ یعنی اسلام ناب یا اسلام ولایی قرائتی است در مقابل اسلام آمریکایی و واقعاً از برکات امام بود، امام به جای اینکه یک کتاب تحلیل کند یا یک کلمه بهترین قرائت از اسلام را ارائه داد. در مقابل اسلام آمریکایی مدل اسلام ناب را به صورت اسلام حکومتی توضیح داد.

وی ادامه داد: این حکومت یا اسلام ناب یا اسلام ولایی یک مبنا داشت. دو جریان فکری در حوزه به یک نتیجه رسید که این نتیجه آینده حکومت اسلامی را نشان می دهد؛ آینده حکومت اسلامی و بعد جایگاه فقه شیعه. ایشان هم در کتاب حکومت اسلامیشان و هم در کتاب بیع توضیح می دهند این از بدیهیات فقه است. حالا چرا مغفول عنه واقع شده است؟ می فرمایند: در قرون اخیر اتفاقاتی افتاده که منشأ این است.

آیت‌الله فرحانی گفت: امام این جریان را از یک منظری تحلیل می کردند. یک جریان فکری هم در حوزه وجود داشت که آن هم این مسیر را از منظر دیگری تحلیل می کرد و آن جریانی بود که مرحوم علامه طباطبایی مدیریت کردند. جریانی که مرحوم آقای طباطبایی مدیریت کردند در کنار جریانی که حضرت امام مدیریت محتوایی اش را برعهده گرفتند یک مخرج مشترکی پیدا کرد به نام «آینده حکومت اسلامی». مدل اسلام ولایی و اسلام حکومتی آینده‌ای پیدا کرده است در این دو جریان فکری.

موعظه
شیخ عبدالکریم حق شناس

**وقتی برخورد مباح با قلب این طور می کند، وای به فسق و فجور!**

خدا می داند من در ایام عید، هر چه ملاقات کردم، سرتا پا گوش بودم و موافب که این فامیل ها حرف متفرقه نزنند، غیبت نکنند، گناهی انجام نشود! چون آدم‌ها علاوه بر اینکه خودشان در حجاب هستند، ما را هم در حجاب می‌برند. مخصوصاً حواسم به کسی بود که می‌دانستم زبانش قفل و بست ندارد و از آن چه که می‌نشنید، شروع می‌کند به حرف‌های مفت زدن! تا آمد قضیه‌ای را شروع کند، بنده یک مطلب دیگر را شروع کردم و حدیث خواندم، البته او اهل حدیث نبود، ولی احتیاج بود من با او برخورد کنم و برایش حدیث بخوانم.

رفقای عزیز! بارها عرض کرده‌ام، باز هم عرض می‌کنم: صاحب مقتدیات می‌فرمود: «اگر کسی اهل مراقبه باشد وقتی شب به صفحه قلب خود نگاه می‌کند، خواهد دید با همین حرف‌های مباح، از قبیل حال شما چطور است؟ احوال شما چطور است؟ چند روز است شما را زیارت نمی‌کنیم؟... قلبش کدر شده است؛ چون قلب مانند تخم چشم، بلکه لطیف‌تر است و فوری کدر می‌شود». آن وقت ایشان می‌فرمود: «فکیف فی الفسق؟» وقتی برخورد‌های مباح شما چطور است که این طور کند، وای به فسق و فجور! پس حال قلب در گناه چگونه است؟

«روحوا انفسکم بدیع الحکمه فانها تکل کما تکلّ الابدان»؛ نفس خودتان را با حکمت‌های تازه طراوت دهید. «تکل» یعنی سنگین می‌شود. قلب هم سقیم می‌شود و در حجاب می‌رود. اما کسی معنای «تکل» و سنگین شدن نفس را می‌فهمد که قدری در مکتب اهل صادق(ع) ورزش کرده باشد. این سنگینی برای سنگین شدن دنیا در بر ابر عالم غیب است. هر وقت معامله به هم بخورد، قلب در حجاب می‌رود و سنگین می‌شود. اینکه امام علی(ع) به امام حسن(ع) فرمود: «و لا تکن الدنیا اکبر همّک» یعنی نگذار آن معامله به هم بخورد و حداقل سعی کن تساوی میان دنیا و آخرت برقرار باشد.

یا رسول الله؛ «قلوبنا فی کنه مما تدعونا الیه و فی ،اذاننا وقر و من بیننا و بینک حجاب»! بین من و سرچشمه حقایق یعنی پیامبر اکرم(ص) که برای نشر حقایق آمده، چه حجابی وجود دارد؟ چه شده که گوش من از شنیدن حقایق سنگین است؟ همه به خاطر برخوردهای غیر متعارف و رفت و آمدهای مشوب است.



یادداشت

# فاصله حرم رضوی تا مرکز همگرایی در جهان اسلام

**بهمن دهستانی |** تولیت آستان قدس رضوی در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع) که در حرم مطهر رضوی انجام شد، گفته است: «حرم مطهر امام رضا(ع) می‌تواند کانون همدلی، تفاهم، همگرایی و وحدت مسلمانان و نیز مرکز ایجاد روحیه توسل و استعانت به آموزه‌های اهل بیت عصمت و طهارت(ع) باشد».

تردیدی نیست که حرم رضوی یکی از مراکز برجسته جهان تشیع و مهم‌ترین کانون زیارتی در ایران اسلامی است و مطابق آنچه تولیت معزز در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع) بیان کرده‌اند، سالانه حدود ۳۰میلیون زائر از ایران و کشورهای مختلف به زیارت امام رضا(ع) مشرف می‌شوند و حرم مطهر همه‌ساله پذیرای جمعیت قابل توجهی زائر از اقصی نقاط دنیاست، از این رو خدمات فرهنگی متنوعی در ارتباط با زائران پاکستانی، عراقی، عربزبان، اردوزبان، آذری‌زبان و انگلیسی زبان ارائه می‌کند. به گفته حجت‌الاسلام والمسلمین مروی، عمده زائران غیرایرانی حرم رضوی، زائران به حرم‌های اهل بیت(ع) در کشورهای مختلف می‌شد اما به‌طور مثال هنوز به‌صورت موردی میان دانشگاه‌های دو طرف برنامه‌ها و توافق‌هایی برقرار می‌شود.

بدیهی است ایجاد محوریت برای حرم رضوی در جهان اسلام ابتدا نیازمند ایجاد مرجعیت در میان مؤسسات شیعی وابسته به حرم‌های کشورهاست. البته وضع همکاری‌ها در میان اعتاب و بقاع متبرکه ایران متفاوت به نظر می‌رسد و سازمان علمی فرهنگی آستان قدس برنامه‌های متعددی را برای پیشبرد آن به اجرا درآورده است. تجربه نشان داده فعالیت‌های حرم رضوی عموماً برای دیگر مراکز شیعی حالتی از الهام‌بخشی را دارد و این فرصتی برای آستان قدس رضوی در جهت ایجاد یک کانون تفاهم و همگرایی است که می‌تواند به ارتقای نشر و عمل به آموزه‌های اهل بیت(ع) در سطح منطقه و جهان بینجامد.

بالایی است، البته هم‌اکنون تا نقطه ایده‌آل و تحقق زیارت متعالی فاصله است و باید اقدامات فرهنگی و خدمت‌رسانی مؤثر و مطلوب‌تری انجام پذیرد».

از دیگر سو مقایسه وضعیت و جایگاه بین‌المللی حرم مطهر رضوی با دیگر اعتاب مقدسه جهان تشیع نشان می‌دهد با وجود امتیازات منحصر به‌فرد حرم حضرت ثامن‌الحجج(ع) در کیفیت خدمات و تجارب و امکانات اما عتبات عراق در برخی حوزه‌های بین‌المللی پیشگام هستند و از ارتباطات منطقه‌ای و جهانی متنوع‌تر و پایدارتری برخوردارند. این در حالی است که حرم رضوی با آنکه خود پیشنهاددهنده و مبتکر تشکیل اتحادیه اعتاب مقدسه جهان اسلام بوده و به این منظور چند اجلاس بین‌المللی هم با حضور مقامات و نمایندگان اعتاب و حرم‌های اهل بیت(ع) از عراق و سوریه و... برگزار شده است اما در استفاده حداکثری از این ظرفیت گام‌های نیمه‌بوده زیادی به چشم می‌خورد. این ارتباطات باید منجر به ارتباط پایدار و مستمر میان مراکز علمی و فرهنگی و تحقیقاتی وابسته به حرم‌های اهل بیت(ع) در کشورهای مختلف می‌شد اما به‌طور مثال هنوز به‌صورت موردی میان دانشگاه‌های دو طرف برنامه‌ها و توافق‌هایی برقرار می‌شود.

بدیهی است ایجاد محوریت برای حرم رضوی در جهان اسلام ابتدا نیازمند ایجاد مرجعیت در میان مؤسسات شیعی وابسته به حرم‌های کشورهاست. البته وضع همکاری‌ها در میان اعتاب و بقاع متبرکه ایران متفاوت به نظر می‌رسد و سازمان علمی فرهنگی آستان قدس برنامه‌های متعددی را برای پیشبرد آن به اجرا درآورده است. تجربه نشان داده فعالیت‌های حرم رضوی عموماً برای دیگر مراکز شیعی حالتی از الهام‌بخشی را دارد و این فرصتی برای آستان قدس رضوی در جهت ایجاد یک کانون تفاهم و همگرایی است که می‌تواند به ارتقای نشر و عمل به آموزه‌های اهل بیت(ع) در سطح منطقه و جهان بینجامد.

## به‌این‌غلظت قبول ندارم

روشنفکران صادق و غیروابسته که طول ۱۰۰ سال اخیر سعی کرده‌اند مباحث مختلفی را مطرح کنند و مسائل را نقد می‌کنند، بنده زیاد می‌بینم اعتراض می‌کنند که فقه سنتی ما خواستن می‌کند مردسالاری دارد، من با این نظرشان به‌این‌غلظتی که آن‌ها می‌گویند قبول ندارم. اما در اصل و کلیت مسئله با آن مخالف نیستم. وقتی مطالب را به‌صورت فقاهتی بررسی می‌کنم می‌گویند چرا در بسیاری از مسائل در مباحث اجتهادی و فقهی، تغییراتی را می‌بینیم که با توجه به مقتضیات زمان اتفاق افتاده است. آیا در نگاه دین نسبت به وظایف اجتماعی زن، این مسئله دیده می‌شود؟

الان در شرایطی هستیم که در حوزه زن و خانواده، سه دسته مسئله داریم. این مسائل در واقع در بطن و عمق خود از هم جدا هستند اما در فضای اجتماعی و رسانه‌ای معمولاً با هم خیلی مخلوط می‌شوند. دسته اول یک نوع بی‌قاعدگی و لجام‌گسیختگی در مسائل حیاتی فردی و اجتماعی مردان و زنان است که در دنیای غرب اتفاق افتاده است. آثار و آوار و ترکش‌ها و ثمرات این مسائل دارد به ما می‌خورد. دسته دوم مربوط به مسائلی است که در جنبه عدالت‌خواهانه انقلاب اسلامی نهفته است. این حرکت از زنان جامعه ما آغاز می‌شود و درچهان مورد توجه و لزیابی قرار می‌گیرد که بالاخره دستاورد نهایی این حرکت عدالت‌خواهانه و ارزش‌های عدالت‌جویانه برای زنان چیست؟ دسته سوم مسائل سنتی تاریخی ماست که قدماء و متأخرین در مسائل فقاهتی، تفسیری و روایی ما استنباطاتی داشته‌اند و این‌ها تبدیل به احکام شرعی شده است. شرایط این احکام شرعی هم طوری است که پس از دوره امامت و زعامت معصومین(ع) و از دوران غیبت صغری، برای زنان جامعه مورد سؤال بوده است. اما هم تا سال ۲۰۵۰ منفرض می‌شوند و مسلمانان بخش عظیمی را در اروپا شکل خواهند داد. آمریکایی‌ها دینی، ما را به این نتایج می‌رساند و این فتواها را به ما می‌دهد. شاه‌بانو فرح پهلوی و Citizen آمریکایی راقوی نگه دارند. اما به هر حال خروجی ارزشی دنیای غرب همین است که داریم می‌بینیم. البته در کنارش رشد فناوری و ثروت اتفاق افتاده است.

دسته ناچیزی از مردم در کشور ما که دچار نوعی غربزدگی افراطی هستند و آزوبیشان ضمیمه بودن و پیوند به جامعه غربی است، باید فکر دیگری برای خود کنند. آنها در فضای ایران با این پیشینه تاریخی نمی‌توانند کار خاصی را شکل دهند. بخشی از مهاجرت‌های ماباه این دلیل است که می‌خواهند بروند آن طرف را تجربه کنند. بسیاری پشیمان می‌شوند و برمی‌گردند. بخش دوم بسیار مهم است. در این ۴۳ سال پس از پیروزی انقلاب، زنانی که پیش از انقلاب و دوره رضاخانی را درک کرده‌اند ممکن است توقعشان خیلی زیاد نباشد اما زنان متولد شده پس از پیروزی انقلاب و به طور کلی منطق عدالت‌خواهانه و عدالت‌جویانه‌ای را دنبال می‌کنند. ما باید این منطق را به عنوان منطق ذاتی و پایه انقلاب مورد توجه قرار دهیم. دو فضای راهبردی هم داریم که به‌صراحت در این مسئله خواسته‌ها و ظواهرش نموده و بحث بسیاری از مسائل را به عنوان مسائل شخصی از محدوده خودشان خارج کرده‌اند، ثمره آن هم این است که می‌بینیم؛ خانواده‌های از هم پاشیده، زندگی‌های متزلزل و بحرانی. اروپا امروز نمی‌تواند بجنگد؛ چون فرزند ندارد، جوان ندارد. بخش زیادی از همین نسل فعلی هم تا سال ۲۰۵۰ منفرض می‌شوند و مسلمانان بخش عظیمی را در اروپا شکل خواهند داد. آمریکایی‌ها چدی تر بوده‌اند و توانسته‌اند نسل خود را با پررویی کنند و نظام شهروندی و Citizen آمریکایی راقوی نگه دارند. اما به هر حال خروجی ارزشی دنیای غرب همین است که داریم می‌بینیم. البته در کنارش رشد فناوری و ثروت اتفاق افتاده است.

■ **برنامه فقه برای حضور اجتماعی زنان در جامعه چیست؟ وقتی دقیق می‌شویم برخی قیودی را می‌بینیم که سبب می‌شود نقش آفرینی زن در جامعه کمرنگ شود؛ خب خیلی از خانم‌ها هستند که تمایل دارند و اهداف انقلاب اسلامی دفاع کنند - نه اینکه الزاماً شغل داشته باشند- نقش آفرینی کنند و مسئولیت اجتماعی‌شان را به نحو احسن انجام دهند ولی حدود و ثغور فعالیت اجتماعی زن کجاست؟**

ابتدا باید تکلیف سه دسته ذکر شده را مشخص کرد. در قسمت اول، روشن است که ما به هیچ وجه نباید جزوه و مقهور فضای بین‌المللی باشیم. در مسائل مربوط به حقوق زنان، مردان و خانواده و کودک، آن‌ها برای خودشان منطق فرمی و ظاهری را در تجدد در پیش گرفته‌اند. انسان را تبدیل به همان غرایز و خواسته‌ها کرده‌اند و بحث بسیاری از مسائل را به عنوان مسائل شخصی از محدوده خودشان خارج کرده‌اند، ثمره آن هم این است که می‌بینیم؛ خانواده‌های از هم پاشیده، زندگی‌های متزلزل و بحرانی. اروپا امروز نمی‌تواند بجنگد؛ چون فرزند ندارد، جوان ندارد. بخش زیادی از همین نسل فعلی هم تا سال ۲۰۵۰ منفرض می‌شوند و مسلمانان بخش عظیمی را در اروپا شکل خواهند داد. آمریکایی‌ها چدی‌تر بوده‌اند و توانسته‌اند نسل خود را با پررویی کنند و نظام شهروندی و Citizen آمریکایی راقوی نگه دارند. اما به هر حال خروجی ارزشی دنیای غرب همین است که داریم می‌بینیم. البته در کنارش رشد فناوری و ثروت اتفاق افتاده است.

■ **اگر بخواهیم نگاه کلان به مسئله زن داشته باشیم آیا می‌توانیم بگوییم رویکرد فقهی به مسئله زن دچار تحول شده است؟ چرا که در بسیاری از مسائل در مباحث اجتهادی و فقهی، تغییراتی را می‌بینیم که با توجه به مقتضیات زمان اتفاق افتاده است. آیا در نگاه دین نسبت به وظایف اجتماعی زن، این مسئله دیده می‌شود؟**

الان در شرایطی هستیم که در حوزه زن و خانواده، سه دسته مسئله داریم. این مسائل در واقع در بطن و عمق خود از هم جدا هستند اما در فضای اجتماعی و رسانه‌ای معمولاً با هم خیلی مخلوط می‌شوند. دسته اول یک نوع بی‌قاعدگی و لجام‌گسیختگی در مسائل حیاتی فردی و اجتماعی مردان و زنان است که در دنیای غرب اتفاق افتاده است. آثار و آوار و ترکش‌ها و ثمرات این مسائل دارد به ما می‌خورد. دسته دوم مربوط به مسائلی است که در جنبه عدالت‌خواهانه انقلاب اسلامی نهفته است. این حرکت از زنان جامعه ما آغاز می‌شود و درچهان مورد توجه و لزیابی قرار می‌گیرد که بالاخره دستاورد نهایی این حرکت عدالت‌خواهانه و ارزش‌های عدالت‌جویانه برای زنان چیست؟ دسته سوم مسائل سنتی تاریخی ماست که قدماء و متأخرین در مسائل فقاهتی، تفسیری و روایی ما استنباطاتی داشته‌اند و این‌ها تبدیل به احکام شرعی شده است. شرایط این احکام شرعی هم طوری است که پس از دوره امامت و زعامت معصومین(ع) و از دوران غیبت صغری، برای زنان جامعه مورد سؤال بوده است. اما پاسخ این بوده که استنباط شرعی و استنباط از منابع دینی، ما را به این نتایج می‌رساند و این فتواها را به ما می‌دهد. اما باید گفت بسیاری از اطلاقاتی که بزرگان از روایات استنباط کرده‌اند اطلاقات تام و کامل نیست و محل تأمل جدی بوده است، اما به هرحال تمسک به اطلاق کرده‌اند و با توجه به اینکه نیمی یا بیش از نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند حقیقتاً برای بسیاری از بانوان سؤال است.

■ **فقه برای حضور اجتماعی زنان در جامعه امروز به‌گونه‌ای از لوازم ذاتی کارآمدی نظام محسوب می‌شود و به شاخص‌هایی توانمندی نظام اسلامی گره خورده است. بررسی برخی مسائل مانند حضور اجتماعی زنان در جامعه از مهم‌ترین مسائلی است که از نگاه فقهی کمتر بدان پرداخته شده است. بنابراین برای نیفتادن در دام فمنیسم باید به این مسئله به صورت جدی نگریست؛ ابعادش را باز کرده و برای فضای فکری و فرهنگی جامعه تشریح و برای شناخت دقیق و واقعی مسئله، تضارب آرا کرد. با توجه به پیچیدگی‌های درون فقهی پیرامون مسئله زن، سراغ حجت‌الاسلام سیدعباس نبوی، رئیس مؤسسه تمدن و توسعه اسلامی رفتیم و با عنایت به اینکه ایشان به درجه اجتهاد رسیده‌اند از منظر فقهی حوزه زن و خانواده را بررسی نمودیم.**

**زینب اصغریان |** مسئله زن در جامعه امروز به‌گونه‌ای از لوازم ذاتی کارآمدی نظام محسوب می‌شود و به شاخص‌هایی توانمندی نظام اسلامی گره خورده است. بررسی برخی مسائل مانند حضور اجتماعی زنان در جامعه از مهم‌ترین مسائلی است که از نگاه فقهی کمتر بدان پرداخته شده است. بنابراین برای نیفتادن در دام فمنیسم باید به این مسئله به صورت جدی نگریست؛ ابعادش را باز کرده و برای فضای فکری و فرهنگی جامعه تشریح و برای شناخت دقیق و واقعی مسئله، تضارب آرا کرد. با توجه به پیچیدگی‌های درون فقهی پیرامون مسئله زن، سراغ حجت‌الاسلام سیدعباس نبوی، رئیس مؤسسه تمدن و توسعه اسلامی رفتیم و با عنایت به اینکه ایشان به درجه اجتهاد رسیده‌اند از منظر فقهی حوزه زن و خانواده را بررسی نمودیم.

■ **اگر بخواهیم نگاه کلان به مسئله زن داشته باشیم آیا می‌توانیم بگوییم رویکرد فقهی به مسئله زن دچار تحول شده است؟ چرا که در بسیاری از مسائل در مباحث اجتهادی و فقهی، تغییراتی را می‌بینیم که با توجه به مقتضیات زمان اتفاق افتاده است. آیا در نگاه دین نسبت به وظایف اجتماعی زن، این مسئله دیده می‌شود؟**

الان در شرایطی هستیم که در حوزه زن و خانواده، سه دسته مسئله داریم. این مسائل در واقع در بطن و عمق خود از هم جدا هستند اما در فضای اجتماعی و رسانه‌ای معمولاً با هم خیلی مخلوط می‌شوند. دسته اول یک نوع بی‌قاعدگی و لجام‌گسیختگی در مسائل حیاتی فردی و اجتماعی مردان و زنان است که در دنیای غرب اتفاق افتاده است. آثار و آوار و ترکش‌ها و ثمرات این مسائل دارد به ما می‌خورد. دسته دوم مربوط به مسائلی است که در جنبه عدالت‌خواهانه انقلاب اسلامی نهفته است. این حرکت از زنان جامعه ما آغاز می‌شود و درچهان مورد توجه و لزیابی قرار می‌گیرد که بالاخره دستاورد نهایی این حرکت عدالت‌خواهانه و ارزش‌های عدالت‌جویانه برای زنان چیست؟ دسته سوم مسائل سنتی تاریخی ماست که قدماء و متأخرین در مسائل فقاهتی، تفسیری و روایی ما استنباطاتی داشته‌اند و این‌ها تبدیل به احکام شرعی شده است. شرایط این احکام شرعی هم طوری است که پس از دوره امامت و زعامت معصومین(ع) و از دوران غیبت صغری، برای زنان جامعه مورد سؤال بوده است. اما پاسخ این بوده که استنباط شرعی و استنباط از منابع دینی، ما را به این نتایج می‌رساند و این فتواها را به ما می‌دهد. اما باید گفت بسیاری از اطلاقاتی که بزرگان از روایات استنباط کرده‌اند اطلاقات تام و کامل نیست و محل تأمل جدی بوده است، اما به هرحال تمسک به اطلاق کرده‌اند و با توجه به اینکه نیمی یا بیش از نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند حقیقتاً برای بسیاری از بانوان سؤال است.

■ **برنامه فقه برای حضور اجتماعی زنان در جامعه چیست؟ وقتی دقیق می‌شویم برخی قیودی را می‌بینیم که سبب می‌شود نقش آفرینی زن در جامعه کمرنگ شود؛ خب خیلی از خانم‌ها هستند که تمایل**

حجت‌الاسلام والمسلمین سید عباس نبوی از تحول نقش زنان در جامعه از منظر فقه می‌گوید

# نباید مقهور منطق فرمی و ظاهری تجدد شویم

گزیده

زنان متولد شده پس از پیروزی انقلاب، به طور کلی منطق عدالت‌خواهانه و عدالت‌جویانه‌ای را دنبال می‌کنند، ما باید این منطق را به‌عنوان منطق ذاتی و پایه انقلاب مورد توجه قرار دهیم؛ دو فضای راهبردی هم داریم که به‌صراحت بر این مسئله تأکید و تصریح کردند، یکی حضرت امام(ره) که وعده‌ها و توصیه‌هایی کردند، یکی هم رهبر معظم انقلاب که به‌صراحت بیان نمودند زنان همیشه مظلوم بوده‌اند و انقلاب باید برای آن‌ها فکری کند.

**زینب اصغریان |** مسئله زن در جامعه امروز به‌گونه‌ای از لوازم ذاتی کارآمدی نظام محسوب می‌شود و به شاخص‌هایی توانمندی نظام اسلامی گره خورده است. بررسی برخی مسائل مانند حضور اجتماعی زنان در جامعه از مهم‌ترین مسائلی است که از نگاه فقهی کمتر بدان پرداخته شده است. بنابراین برای نیفتادن در دام فمنیسم باید به این مسئله به صورت جدی نگریست؛ ابعادش را باز کرده و برای فضای فکری و فرهنگی جامعه تشریح و برای شناخت دقیق و واقعی مسئله، تضارب آرا کرد. با توجه به پیچیدگی‌های درون فقهی پیرامون مسئله زن، سراغ حجت‌الاسلام سیدعباس نبوی، رئیس مؤسسه تمدن و توسعه اسلامی رفتیم و با عنایت به اینکه ایشان به درجه اجتهاد رسیده‌اند از منظر فقهی حوزه زن و خانواده را بررسی نمودیم.

■ **اگر بخواهیم نگاه کلان به مسئله زن داشته باشیم آیا می‌توانیم بگوییم رویکرد فقهی به مسئله زن دچار تحول شده است؟ چرا که در بسیاری از مسائل در مباحث اجتهادی و فقهی، تغییراتی را می‌بینیم که با توجه به مقتضیات زمان اتفاق افتاده است. آیا در نگاه دین نسبت به وظایف اجتماعی زن، این مسئله دیده می‌شود؟**

الان در شرایطی هستیم که در حوزه زن و خانواده، سه دسته مسئله داریم. این مسائل در واقع در بطن و عمق خود از هم جدا هستند اما در فضای اجتماعی و رسانه‌ای معمولاً با هم خیلی مخلوط می‌شوند. دسته اول یک نوع بی‌قاعدگی و لجام‌گسیختگی در مسائل حیاتی فردی و اجتماعی مردان و زنان است که در دنیای غرب اتفاق افتاده است. آثار و آوار و ترکش‌ها و ثمرات این مسائل دارد به ما می‌خورد. دسته دوم مربوط به مسائلی است که در جنبه عدالت‌خواهانه انقلاب اسلامی نهفته است. این حرکت از زنان جامعه ما آغاز می‌شود و درچهان مورد توجه و لزیابی قرار می‌گیرد که بالاخره دستاورد نهایی این حرکت عدالت‌خواهانه و ارزش‌های عدالت‌جویانه برای زنان چیست؟ دسته سوم مسائل سنتی تاریخی ماست که قدماء و متأخرین در مسائل فقاهتی، تفسیری و روایی ما استنباطاتی داشته‌اند و این‌ها تبدیل به احکام شرعی شده است. شرایط این احکام شرعی هم طوری است که پس از دوره امامت و زعامت معصومین(ع) و از دوران غیبت صغری، برای زنان جامعه مورد سؤال بوده است. اما پاسخ این بوده که استنباط شرعی و استنباط از منابع دینی، ما را به این نتایج می‌رساند و این فتواها را به ما می‌دهد. اما باید گفت بسیاری از اطلاقاتی که بزرگان از روایات استنباط کرده‌اند اطلاقات تام و کامل نیست و محل تأمل جدی بوده است، اما به هرحال تمسک به اطلاق کرده‌اند و با توجه به اینکه نیمی یا بیش از نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند حقیقتاً برای بسیاری از بانوان سؤال است.

■ **برنامه فقه برای حضور اجتماعی زنان در جامعه چیست؟ وقتی دقیق می‌شویم برخی قیودی را می‌بینیم که سبب می‌شود نقش آفرینی زن در جامعه کمرنگ شود؛ خب خیلی از خانم‌ها هستند که تمایل**

گزارش از شخص

به مناسبت سالروز رحلت آیت‌الله آقانجفی اصفهانی، پیشگام نهضت تنباکو

# ابراهیم‌وار در برابر بُت استعمار

**محمد حسین نیکبخت |** در تاریخ معاصر ایران، آقانجفی اصفهانی نامی پرابهت و پرافتخار است؛ عالمی دانشمند، فقیهی تراز اول، مجاهدی نستوه و مبارزی آگاه به سیاست و اوضاع زمانه که در دوران حیات خود، لحظه‌ای از مبارزه در برابر استبداد و خودکامگی حاکمان و نفوذ اجانب و استعمار فروگذار نکرد. مورخان به اتفاق، آقانجفی اصفهانی را نخستین کسی می‌دانند که در واکنش به واگذاری امتیاز استعماری تنباکو به شرکت رژی در دوران ناصرالدین‌شاه به تحریم استعمال تنباکو دست زد و با پیشنهاد او، علمای نامدار ایران در نامه‌ای به میرزای بزرگ شیرازی، آن مرجع عالی‌قدر را از ماجرا آگاه کردند و با فتوای مشهور او، طومار غمر آن امتیاز استعماری در هم پیچیده شد. ۱۱ شعبان، سالروز رحلت آن عالم مبارز و مجتهد نامدار بود؛ مردی که سیدجمال‌الدین اسدآباد توانایی او را در سیاست‌ورزی و آشنایی با اداره امور، همسنگ بزرگ‌ترین و مشهورترین سیاستمداران ایران و جهان می‌دانست و درباره‌اش نوشت: «حرارتی به فکرش دیدم که در بیسمارک (صدراعظم مشهور آلمان) نبود و راستی اگر وزارت اعظم ایران را داشت، مانند امیرکبیر حفظ حدود مملکت را می‌نمود که بیگانه از آن یک‌وجب نبرد».

■ **مجتهدی در میدان اجتماع**

آیت‌الله محمدتقی آقانجفی اصفهانی، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۲۶۲ مطابق با ۳۰ فروردین ۱۲۲۵ در اصفهان متولد شد. پدرش آیت‌الله محمدباقر آقانجفی اصفهانی از علما و مراجع نامدار ایران بود و بزرگانی مانند میرزای بزرگ شیرازی در محضر او علم آموختند.

آقانجفی مقدمات را در زادگاهش و نزد پدر فرا گرفت و پس از عزیمت به عتبات، در محضر بزرگانی مانند شیخ مهدی کاشف‌الغطاء و شیخ راضی نجفی علم آموخت و به درجه اجتهاد رسید. آقانجفی پس از بازگشت به اصفهان و زمانی که هنوز پدرش در قید حیات بود، مرجعیت عام پیدا کرد و مورد توجه مردم قرار گرفت؛ بیان بسیار شیوا، حافظه‌ای شگفت‌انگیز و همچنین ورود مستقیم به مسائل اجتماعی و سیاسی و اهتمام به اجرای حدود شرعی، از دلایل اقبال عمومی به آقانجفی بود. به عبارت بهتر، او مجتهدی بود که هرگز خود را در حصار مدرسه و تکاپوهای علمی و البته گوشه‌عزلت و ریاضت‌های شرعی محدود نکرد و راه جلب رضایت پروردگار را در حضور مداوم میان مردم و تلاش برای رفع دغدغه‌های گوناگون آن‌ها می‌دانست.

■ **مبارزه با استبداد**

بدیهی بود با چنین منش و روشی، آیت‌الله آقانجفی اصفهانی خیلی زود به یکی از موانع اصلی زیاده‌خواهی حاکمان مستبد قاجار تبدیل شود. ظل‌السلطان، فرزند ناصرالدین‌شاه و حاکم اصفهان که او را در زمره سفاک‌ترین و بی‌رحم‌ترین حکمرانان تاریخ معاصر ایران دانسته‌اند، هم عصر آقانجفی اصفهانی بود و در نامه‌هایش به شاه، این مجتهد پرآوازه را مهم‌ترین مانع استقرار قدرت خود در اصفهان و اطراف آن می‌دانست و همیشه از نفوذ وی بیمناک بود. حتی یک‌بار شاه قاجار را برانگیخت آقانجفی را به تهران تبعید کند؛ اما این تلاش نابخردانه، وضعیت را برای حکومت استبدادی قاجار بدتر کرد؛ آقانجفی بلافاصله پس از ورود به پایتخت، مجلس درس تشکیل داد و در آن مجلس، استبداد شاه و دربار را به عنوان مانعی جدی بر سر راه اجرای احکام اسلام معرفی کرد.

خیلی زود دامنه این آگاهی بخشی، سراسر مدارس علمیه و حتی بازار تهران را فراگرفت و ناصرالدین‌شاه را واداشت آیت‌الله را به اصفهان بازگرداند.

که امور طبیعی حیات یک نفر است نمی‌توانیم این مسئله را نادیده بگیریم.

■ **آیا فعالیت اجتماعی و حضور اجتماعی زن در جامعه هم جزو ضروریات محسوب می‌شود؟**

آنچه مربوط به تطبیق آیات و روایات با دوره‌های مختلف است را امام(ره) با عنوان «فقه‌الزمان» مطرح کرده است. یک دوره‌ای جامعه کوچک است و شهر مدینه‌ای را داریم که کل افرادش درنهایت ۴۰-۵۰ هزار نفر بوده‌اند، محیطی که اندازه یک روستای بزرگ ما و یک بخش به حساب می‌آید، حتی یک شهر هم به حساب نمی‌آید. خب در چنان جامعه‌ای می‌شود نحوه حضور بیرون از خانه را در محدوده‌ای تصویر کرد. اما در موقعیتی جامعه کاملاً متحول می‌شود، ضروریات نیز در دوره خودش تغییر پیدا می‌کند. مگر امروز می‌شود دختری را بی‌سواد نگه داشت؟ مگر امروز می‌شود دختری را از توانایی‌ها و قابلیت‌های درست و واقعی محروم کرد؟ الان فرض کنید پدری بگوید من دوست ندارم همسرم و فرزندانم مطلقاً از هیچ‌گدام وسایل جدید استفاده کنند. نه از کامپیوتر نه از موبایل، یک معلم سر خانه‌ای هم می‌آورم برای معارف اصلی و ملزومات آن را در حضور مداوم میان مردم و تلاش برای رفع دغدغه‌های گوناگون آن‌ها می‌دانست.

■ **مبارزه با استبداد**

بدیهی بود با چنین منش و روشی، آیت‌الله آقانجفی اصفهانی خیلی زود به یکی از موانع اصلی زیاده‌خواهی حاکمان مستبد قاجار تبدیل شود. ظل‌السلطان، فرزند ناصرالدین‌شاه و حاکم اصفهان که او را در زمره سفاک‌ترین و بی‌رحم‌ترین حکمرانان تاریخ معاصر ایران دانسته‌اند، هم‌عصر آقانجفی اصفهانی بود و در نامه‌هایش به شاه، این مجتهد پرآوازه را مهم‌ترین مانع استقرار قدرت خود در اصفهان و اطراف آن می‌دانست و همیشه از نفوذ وی بیمناک بود. حتی یک‌بار شاه قاجار را برانگیخت آقانجفی را به تهران تبعید کند؛ اما این اقدام نابخردانه، وضعیت را برای حکومت استبدادی قاجار بدتر کرد؛ آقانجفی بلافاصله پس از ورود به پایتخت، مجلس